

بررسی تاریخی مضامین اندرزهای بزرگمهر در متون اخلاقی فارسی و عربی منطبق با رساله خطی ظفرنامه

فردوس مرادی^۱

دکترحمیدرضائی^۲

چکیده:

شیوه پندنامه نویسی از گونه‌های کهن ادب فارسی است که سابقه‌ی آن به ایران باستان می‌رسد، قدیمی ترین نمونه این نوع ادبی به بزرگمهر حکیم وزیر کسری انوشیروان منسوب است که ترجمه‌ها و برداشتهای مختلفی از آن در متون ادب فارسی و عربی روایت شده، مشهورترین این ترجمه‌ها، ترجمه ابن سینا است که با عنوان ظفرنامه انوشیروانیه شناخته شده است، در این مقاله کوشیده ایم ضمن عرضه متن، مصححی از رساله ظفرنامه براساس نسخ کهن موجود، به تتبع و بررسی مضامین مشترک و برداشتهای گوناگونی که از آن در متون کهن فارسی و عربی گردیده، بپردازیم و این روایات را براساس سیر تاریخی تنظیم و تحلیل نماییم.

واژگان کلیدی: بزرگمهر، انوشیروان، پندنامه، ظفرنامه، مناظره

مقدمه:

تاریخ و فرهنگ ایران، آراسته به نام شخصیت‌هایی است که گاه در مقام وزرای ایرانی، در آسمان حکمت ایران درخشیدند و در طول تاریخ بشر، طالبان علم را راهنمایی کرده و شاهان را از مهالک نجات دادند. از جمله این وزرا، درخشان‌ترین آنها در افق پند و اندرز فارسی، بزرگمهر، وزیر انوشیروان است. (بهار، صص ۷۴ و ۹۶، العاکوب، ص ۶۳) از مجموع تصریحات و اشارات منابع موجود چنین بر می‌آید کتابهایی که در زمینه پند و اندرز تألیف شده اند، در دوره ساسانیان رواجی تمام داشته و غالباً به صورت رساله‌های کوتاه نوشته شده که از این میان پنج یا شش اثر، به زبان پهلوی ساسانی موجود است. (العاکوب، صص ۴۰ و ۴۱)

«شناخته‌ترین، کهن‌ترین و زیباترین مجموعه اندرزها، «پندنامک وزرک مهریختگان» یا «یادگار فورک مهر» است که به اعتقاد مورخان، بزرگمهر حکیم به فرمان انوشیروان پرداخته است.» (حقیقت، ص ۴۸) این مجموعه از جمله کتابهای ادبیات پهلوی است که نام و نشان آن را در کشف الظنون حاج خلیفه می‌یابیم. این کتاب شامل پرسش‌هایی بوده از انوشیروان و پاسخ‌هایی از بزرگمهر که در سده سوم هجری به فرمان نوح بن منصور سامانی، ابن سینا آن را از زبان پهلوی به فارسی ترجمه کرده و به نام ظفرنامه خوانده شده است. (محمدی، صص ۲۲۰ و ۲۲۱، حقیقت، ص ۴۸، العاکوب، صص ۶۵ و ۸۹ و ۹۰، صدیقی، صص ۱ و ۱۷)

«کتابی به همین نام، مشتمل بر پند و اندرزهایی از بزرگمهر وجود دارد که شفر (cd.Schefer) در جلد اول از کتاب chrestomatiepersane (قطعات برگزیده فارسی) به چاپ رسانده و به گمان وی این همان کتابی است که حاجی خلیفه ذکر کرده اما استاد کریستن سن در صحت این گمان تردید دارد زیرا کتابی که به چاپ رسیده ترجمه مستقیم از

^۱ کارشناس ارشدزبان وادبیات فارسی

^۲ استادیار زبان وادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

اصل پندنامه بوذرجمهر نیست بلکه یک اقتباس خیلی دور از آن اصل است.» (همان ص ۳۳۹، همان ص ۴۹، صدیقی ص ۲۲) در زبان فارسی به غیر از شاهنامه فردوسی، در کتاب خردنامه هم قطعه ای به نام «پندنامه بزرگمهر حکیم» نقل شده که با هیچ یک از نسخه های این پندنامه در شاهنامه و در متن پهلوی و عربی آن منطبق نیست و شاید بتوان گفت پندنامه بزرگمهر یکی از دو قطعه منتخباتی است که ابن مسکویه از ترجمه عربی پندنامه بزرگمهر با عنوان «ماختره من آداب بزرگمهر» نقل کرده اما زمان تألیف خردنامه از زمان تألیف کتاب مسکویه زیاد دور نیست و این دو مجموعه از یکدیگر جدا هستند. (محمدی، صص ۳۴۰ و ۳۴۱)

باید چنین احتمال داد که آن مجموعه یا لاقل آن قطعه ای که از آن در خردنامه نقل شده قسمتی از پندنامه بوده و آنچه در متنهای پهلوی و عربی و شاهنامه آمده قسمت دیگری از آن است و هیچ یک از این دو، متن کامل پندنامه نیستند و یا اینکه بگوییم پندنامه یا اندرزنامه بزرگمهر عنوان خاصی برای کتاب مشخصی نبوده و مجموعه های مختلفی هم که از سخنان پراکنده منسوب به بزرگمهر جمع آوری شده با عنوان پندنامه معروف شده است.

«در خردنامه قطعه دیگری از سخنان بزرگمهر نقل شده که با عنوان پندنامه در شاهنامه فردوسی شباهتی دارد ولی برداشت مطالب و ترتیب آنها در این قطعه با آنچه در شاهنامه یا متن پهلوی و عربی هست فرق دارد. بنابراین نمی توان آن را نسخه دیگری از این پندنامه به شمار آورد.» (محمدی، ص ۳۴۱) در هر حال باید در نظر داشت که ترجمه عربی کتاب ظفرنامه قبل از ترجمه فارسی آن صورت گرفته زیرا در کتابهایی هم که پیش از ترجمه فارسی آن تألیف شده مانند مروج الذهب، الفهرست و عیون الأخبار نیز آثار بسیاری از اقوال و حکم بزرگمهر که بدون شک این پندنامه یکی از منابع آنها بوده نقل شده و در روزگار مسعودی آثار بسیاری از این حکیم ایرانی در میان اعراب و مسلمانان رواج داشته است و به طور کلی ترجمه عربی این پندنامه اثر بسیاری در مؤلفات ادبی عرب به جای گذاشته است. (حقیقت، صص ۴۸ و ۴۹)

پس از پرداختن به نسخه پندنامه بزرگمهر و ذکر نظریات مستند از کتب مختلف در مورد شباهت و یا تفاوت آن با پندنامه های مشابه، در ادامه مطالب به تأثیر اندرزهای فارسی بر روی اندرزهای ادبیات عرب می پردازیم. لازم است بدانیم عناوینی که ابن قتیبه در عیون الأخبار و ابن عبدربه در العقد الفرید برگزیده اند، مستقیماً برگرفته از موضوعات پند و اندرز فارسی است. (همان، ص ۷۰)

این نکته شایان ذکر است که سرشت اندرزهای فارسی از نظر سادگی و روشنی و پرداختن به مسائل عملی با خوی عرب هماهنگ بوده و به گفته احمد امین: «آنگاه که فرهنگهای گوناگون به عربی برگردانده شد پندها را نیز ترجمه کرده و در آن زمین کوششها کردند و بیش از فلسفه از آن لذت بردند زیرا به فرهنگ مردم متوسط نزدیکتر و به ضرب المثلهای متداول میان ایشان مانده تر بود. (العاکوب، صص ۹۸ و ۹۹)

از جمله تأثیر پذیری ادیبان و نویسندگان عرب از ویژگی های هنری پند و اندرزهای ترجمه شده از فارسی، در زمینه سبکهای نگارشی مختلف ایرانیان می باشد که از آن جمله روش پرسش و پاسخ است. در بررسی روش نویسندگان دوره اول عباسی به سبکی از ارائه پند و اندرز برمی خوریم که تا پیش از آن در آثار حکیمان عصر جاهلیت و اسلام سابقه نداشته است و در همین دوره کتابهایی به نام المسائل (= پرسشها) از فارسی ترجمه شده است مانند پرسشهای انوشیروان از بزرگمهر و پاسخ های بزرگمهر به او و کتابهای دیگری به همین نام که اندیم در الفهرست و ابن مسکویه در جاویدان خرد از آنها یاد کرده اند. (العاکوب، صص ۲۰۶ و ۲۰۹ و ۲۱۰، اندیم، ۴۱ تا ۳۳۷)

المسائل که می توان گفت نوعی شیوه رایج در میان کتابهای پند و اندرز فارسی می باشد، بدین گونه است که در رابطه با موضوعات مهم و قابل تأمل یک نفر در جایگاه پرسشگر است که با دقت خاصی سوالها را مطرح می کند و طرف مقابل او در جایگاه پاسخ دهنده می باشد و سعی او بر این است که پاسخهایش کوتاه، مختصر و مفید باشند. این شیوه دارای مزایای بسیاری است زیرا که به تجزیه و تحلیل موضوعات مختلف پرداخته و به درک مفاهیم اصلی کمک شایانی می کند تا جایی که عربها نیز به اهمیت آن پی برده و به تقلید از ایرانیان به تألیف کتب مختلف در این زمینه پرداخته اند. نکته قابل تأمل درباره این گونه آثار آنکه بسیاری از امثال و حکمتهای رایج در متون مختلف از همین کتابها استخراج شده است و برخی از این متون در ضمن مطالب کتاب اخلاقیات هانری دوفوشه کورم معرفی شده اند و نیز پاره ای از مفاهیم پند بزرگمهر در این کتاب به بحث گذاشته شده است. (هانری دوفوشه کورصص ۲۳ و ۳۰ و ۷۰)

معرفی (رساله ظفرنامه انوشیروانیه):

نسخه سوال و جواب معروف به ظفرنامه انوشیروانیه در قالب شیوه نگارشی پرسش و پاسخ، حاوی شصت سوال انوشیروان در رابطه با موضوعات مختلف از وزیرش بزرگمهر حکیم است، طبق آنچه در ابتدای نسخه به آن اشاره شده، بعد از وفات انوشیروان، این مجموعه برای مدت‌های مدیدی به دست امیر خراسان، سلطان علی بن سنجر می افتد که آن را به رسم تحفه برای خلیفه عجم، نوح بن منصور سامانی می برد، به دستور نوح بن منصور سامانی مجموعه ظفرنامه توسط رئیس الحکما ابوعلی سینا از زبان پهلوی به زبان فارسی ترجمه می شود. این مجموعه حاوی موضوعاتی متنوعی است که عبارتند از: درخواست نیک از خدای عزوجل - تندرستی - توانگری - ایمنی - چگونگی قطع رابطه با دوست ناشایست - جان - تدبیر - نیکویی - مهتری و سروری - فرمانهای قابل امتثال - نشان دلاوری - مروت - نکوهیده ترین عیبهها - بازرگانی - مرگ - عاقبت نیکو - علل بی نفع گردانیدن کار مردم پارسا و عالم - خردمندترین مردم - سبب مذلت - سبب تعب - بینوایی - سبب بی مقصودی - شرم - حمیت - نیکوترین چیز در جهان - اصل تواضع - زشت ترین چیز در جهان - بیشترین احتیاج پادشاه - بیگانه ترین کس در جهان - نیکبخت ترین کس در جهان - شایسته ترین خلق - حق مهتر بر کهتر و بهره هریک از آنها - نشان دوست نیکو - سبب آسانی زندگی - سرمایه حرب کردن - حاجت خواستن - آنچه از رنگ مستغنی نیست - سبب دوست داشتن کسی در میان مردم - دانش - خواسته - عمل به کوشش یا به قضا - جوانان و پیران - جوانمردان - هنر - نیکی کردن - تعلیم علم بزرگان عالی نسب از مردم مجهول - غضب - مشورت - محرم اسرار - سبب نشاط.

ویژگی های سبکی اثر:

«زمان انشاء یا ترجمه مجموعه ظفرنامه به درستی معلوم نیست ولی محققاً بسیار قدیم است زیرا سبک آن بر جمله‌های کوتاه و تجزیه مطالب و تقسیم آن بر جمله‌های کوچک و اثبات هر فعل در جای خود و پرهیز از حذف افعال به قرینه و تکرار یک کلمه در جمله‌های پیاپی بدون استفاده از ضمیر یا کلمه مشابه و مترادف و تکرار واوهای عاطفه و ایجاز و اختصار و سادگی در مطالب و پرهیز از آرایش کلام و قلب نسبی لغات عربی و ترکیب عبارت و شکل جمله بندی از حیث ساخت نحوی و طرز و طریقه تعبیر، با زبان پهلوی و زبان دری عصر سامانیان و اوایل غزنویان نزدیکی دارد و شیوه آن مانند بسیاری از پندنامه‌های دیگر فارسی بیشتر تحت تأثیر شیوهی اندرزنامه های پهلوی است.

تحقیق و مطالعه کلمات و اصطلاحات این رساله، این احتمال را قوت می بخشد که ظفرنامه ترجمه متنی عربی است که به ظن قوی خود ترجمه متنی پهلوی بوده است و وجود کلمات عربی خاصه بعضی از آنها را باید بیشتر از تأثیر زبانی که از آن نقل شده دانست تا اثر و خصوصیت زبان عصری که اندرزنامه در آن نوشته شده است. از این حیث کلمه های تازی و ترکیبات عربی الاصل که فارسی آنها در قرن ۴ و ۵ هجری بسیار متداول بوده و همچنین ترکیبات مختلط فارسی و عربی که در این رساله به کار رفته درخور تأمل و دقت است.» (صدیقی، صص ۲۸ و ۲۹)

براساس اطلاعات مندرج در مقدمه‌ی نسخه، مترجم ابن سینا معرفی شده است گرچه برخی از محققان در صحت این امر تردید کرده اند اما با توجه به ویژگی‌های سبکی اثر، محقق می شود که این رساله دارای نثری کهن است. (همان، صص ۱۸ تا ۲۱)

با بررسی که در متون ادب فارسی و عربی درباره مضامین رساله‌ی ظفرنامه و همچنین آثار و حکمت‌های منسوب به بزرگمهر تا سده ۶ صورت گرفت، منابع مختلفی یافت شده که غالباً قسمت عمده یا برخی از عبارات رساله را عیناً و یا با دخل و تصرف مشتمل می شد و در ادامه با توجه به سیر تاریخی اینگونه آثار و زمان تألیف آنها به بررسی مضامین مشترکشان با رساله‌ی ظفرنامه پرداخته‌ایم و این آثار را در دو گروه تقسیم بندی نموده ایم.

بررسی سیر تاریخی مضامین ظفرنامه:

الف) آثاری که از لحاظ مضامین دارای بیشترین اشتراک با متن ظفرنامه‌ی انوشیروانیه هستند و یا عبارات رساله در آنها عیناً تکرار شده است:

۱) کتاب ظفرنامه:

این کتاب با مقدمه، حواشی و تصحیح دکتر غلامحسین صدیقی به عنوان یادگاری از جشن هزاره‌ی ابوعلی سینا در سال ۱۳۵۱ تألیف شده است. در آغاز این کتاب ابتدا به معنای لغت ظفرنامه اشاره ای نموده و در ادامه به معرفی انواع ظفرنامه‌ها و نسخه‌های موجود از آنها می‌پردازد. در این کتاب در حدود ۵۲ سؤال از سؤالات رساله‌ی ظفرنامه‌ی انوشیروانیه با اختلاف بسیار کم و در اکثر موارد، سؤالات عیناً نقل شده است. سؤالاتی که در این اثر آمده غالباً دارای چنین مضامینی است: درخواست نیک از خدای عزوجل - ایمنی - چگونگی قطع رابطه با دوست ناشایست - عمل به کوشش یا به قضا - جوانان و پیران - مهتری و سروری - جان - نیکی کردن - هنر - دانش - نشان دلآوری - خدای بی‌عیب - زبان کارترین عیبه‌ها - فرمانهای قابل امتثال - مرگ - مروت - علل تباہ کردن کار مردم پارسا - بی‌نیازی به پزشک - خردمندترین مردم - سبب مذلت - سبب نیازمندی - سبب رنج - بینوائی - سبب پشیمانی خردمندان - شرم - حمیت - نیکوترین چیز در جهان - زشت‌ترین چیز در جهان - تواضع - تدبیر - بیشترین حاجت پادشاهان - بیگانه‌ترین کس در جهان - نیک‌بخت‌ترین کس در جهان - شکر نیکوئی - سبب دوست داشتن کسی در میان مردم - آموختن علم - حق مهتر بر کهتر - نشان دوست نیک‌بخت - نیکوئی - گروههائی که نباید به آنها نکوئی کرد - اتمام نیکوئی - سبب آسانی زندگی - سرمایه‌ی حرب کردن - آنچه که از بیش‌ی مستغنی نیست - اتمام حاجت خواستن - خواسته‌ها - آنچه نخورند و برای تن سود دارد.

کتاب ظفرنامه از آنجائی که با رساله ظفرنامه انوشیروانیه هم نام تیز می‌باشد لذا از جمله متونی است که بیشترین شباهت را با متن رساله دارا است و آنچه در مقدمه رساله ذکر شده اسبث در مورد این کتاب نیز صدق می‌کند. اما این نکته شایان ذکر است که ترتیب بیان سؤالات با ترتیب سؤالات متن رساله قدری متفاوت است و الا از لحاظ نثر تفاوتی میان آنها مشاهده نمی‌شود و البته چنان که پیشتر در مقدمه نیز اشاره شد با توجه به نظر محمد محمدی این اثر، رساله‌ای دیگری است و نمیتواند به عنوان نسخه دیگری از رساله ظفرنامه باشد. (محمدی، ص ۳۴۱)

با توجه به زمان تألیف رساله و نیز ترجمه آن که به ابن سینا منسوب است، ترجمه کتاب در سده چهارم و پنجم صورت گرفته است و با توجه به نزدیکی تاریخ ترجمه هر دو رساله، از این حیث میزان تشابهات و اشتراکات آنها بسیار است، اما لازم به ذکر است که کتاب ظفرنامه، چاپ صدیقی فاقد ۹ سؤال از سؤالاتی است که در نسخه حاضر آمده است.

- به عنوان مثال سوال ۳ رساله به صورت زیر در کتاب ظفرنامه نقل شده است: (صدیقی، ص ۴)
از دوست ناشایست چگونه باید برید؟ گفت: به سه چیز، بدیدنش نارفتن، حالش ناپرسیدن و ازو آرزو ناخواستن.
(صورت سؤال و پاسخ آن عیناً مطابق با رساله می‌باشد که با اندکی تفاوت در نحوه بیان و صورت ظاهری بیان شده است).

- سؤال ۴۶ رساله به صورت زیر در کتاب ظفرنامه نقل شده است: (همان)

گفتم: کارها به کوشش است یا به قضا؟ گفت: کوشش قضا را سببست.

- سؤال ۵۱ رساله به صورت زیر در کتاب ظفرنامه نقل شده است: (همان، ص ۶)

گفتم: کدام چیزست که همه آن را جویند و کس آن را به جمله نیافتست؟ گفت: چهار چیز، تن درستی و راستی و شادی و دوست مخلص.

۲) شاهنامه فردوسی:

(همراه با مدخل نامه باستان) که این کتاب ویرایش و گزارشی بر شاهنامه فردوسی است که میرجلال‌الدین کزازی در جلد ۸ این کتاب، از پادشاهی یزگرد تا پادشاهی هرمزد، ضمن اشاره به دوران پادشاهی انوشیروان اشعاری را از شاهنامه نقل کرده که تا حدی با سخنان بزرگمهر از لحاظ مضمون مطابقت دارند این کتاب در سال ۱۳۸۶ تألیف شده، در شاهنامه ۱۷ سؤال و در نامه باستان ۲۶ سؤال از سؤالات رساله ظفرنامه انوشیروانیه با اختلاف نسبتاً زیادی نقل شده، لازم به ذکر است بیشتر اشعاری که در نامه باستان آمده در شاهنامه نیز ذکر شده و تنها اختلاف اندکی در اشعار مشاهده می‌شود که به خاطر وضوح بیشتر اشعار فردوسی در نامه‌ی باستان است.

کمترو مواردی را میتوان مشاهده کرد که مطلبی از رساله در میان اشعار فردوسی عیناً نقل شده باشد و بیشتر از لحاظ مضمون مشابهتهائی وجود دارد. سؤالاتی که در این دو کتاب آمده غالباً دارای چنین مضامینی است:

سخن روشن روان که کوتاه و به معنی بسیار است- آموختن علم- خواسته- امثال از فرمان خسرو دادگر- قضا و قدر- نیکوئی- بخشش- رنج کمتر در زیستن- بخشیدن گناه- ثمره‌ی بخشش نیک خوی در دو جهان- فرجام نیکی- بی عیب کیست؟- دانش- بهره مندی از هر کس- نشان دوست نیکو- مرد فرخ- دانا- فرمانبرداری یزدان- بهترین فرهنگ- شایسته ترین خلق- دوستان کهن- محبوبیت در میان مردم- بدترین کارها- نیکی- نیکوترین عمل- خرد.

هرچند که تاریخ تألیف رساله‌ی ظفرنامه و شاهنامه هردو مربوط به اواخر قرن ۴ و اوایل قرن ۵ است اما میان اشعار فردوسی و سخنان بزرگمهر از لحاظ مضمون اشتراکات اندکی وجود دارد و تنها برخی از مضامین سؤالات انوشیروان و پاسخ‌های بزرگمهر در آنها مشترک است.

-به عنوان مثال سوال ۱۶ رساله به صورت زیر در شاهنامه نقل شده است:

بپرسید دیگر که بی عیب کیست؟ نکوهیدن آزادگان را بچیست؟
چنین گفت کین را ببخشیم راست که جان و خرد در سخن پادشاست (کجا روسخن بر خرد بر، گواست)

(فردوسی ص ۱۲۵، بیت ۱۱۹۶-۱۱۹۵، کزازی، ج ۸، ص ۹۰، بیت (۱۹۵۱-۱۹۵۰))

که تنها صورت سؤال مصراع اول مطابق سؤال ۱۶ می باشد و از لحاظ پاسخ کاملاً متفاوت است.

-سؤال ۴۳ به صورت زیر در شاهنامه نقل شده است:

چه سازیم تا هرکسی بر خوریم ۱۳-۱۵ شهریور و گلر سایه‌ی او بیی بسپریم؟
چنین داد پاسخ که هر کو زبان ز بدبسته دارد نرنجد روان
کسی را ندرد به گفتار پوست بود بر دل انجمن نیز دوست
اگر نرم گوید زبان کسی در شتی به گوشش نیاید بسی

(همان، ص ۱۳۰، بیت ۱۲۹۴-۱۲۹۲ و ۱۲۹۸ و همان، ج ۸، ص ۹۴، بیت ۲۰۵۰-۲۰۴۸ و بیت ۲۰۵۴).

مطابق مضمون سؤال و قسمت سوم پاسخ ۴۳.

-سؤال ۲۰ به صورت زیر در شاهنامه نقل شده است:

چه سازیم تا نام نیک آوریم؟ در آغاز فرجام نیک آوریم؟
بدو گفت: شو دور باش از گناه جهان را همه چون تن خویش خواه

(همان، ص ۱۲۳، بیت ۱۱۷۱-۱۱۷۰ و همان، ج ۸۹، بیت ۱۹۲۷-۱۹۲۶)

مطابق مضمون سؤال و جواب ۲۰.

۳) ترجمه جاویدان خرد:

این کتاب توسط ابن مسکویه رازی در سال ۴۲۱ هـ ق تألیف شده و توسط شرف الدین عثمان بن محمد قزوینی از زبان عربی به فارسی ترجمه شده است. در این کتاب در حدود ۱۶ سؤال از سؤالات رساله ظفرنامه با اختلاف نسبتاً زیادی نقل شده و در اکثر موارد قسمتی از صورت سؤال و یا قسمتی از پاسخ سؤال و یا حتی مضمون سؤال و یا جوابی از رساله در این کتاب درج شده است. سؤالاتی که در این اثر آمده غالباً دارای چنین مضامینی است:

عاقل ترین خلق- سودمندترین یاران- قدر و عمل- آنچه زودتر فساد کند- سعادت‌مندی- مروّت- خصلت برادران- شخص بی عیب- نیک بختی- ستوده ترین مردم به عقل- سزاوارترین مردم به ملک- تواضع- سخت ترین تقصیرات- آنچه غضب را فرو نشاند- بزرگترین گناهان- زیباترین منقبتها.

با وجود آنکه تاریخ تألیف جاویدان خرد و رساله ظفرنامه تقریباً در یک حیطه زمانی است اما میزان اقتباس این کتاب از رساله ظفرنامه چندان زیاد نیست و تشابهات اندکی میان آنها وجود دارد اما از لحاظ زبان و نحوه بیان مطالب و عبارات تفاوتی میان آنها احساس نمی‌شود.

-به عنوان مثال سؤال ۳۱ رساله به صورت زیر در جاویدان خرد نقل شده است:

گفتند: تواضع چیست؟ گفت: احتمال رنج از هرکسی و نرمی جانب با زیردستان. (ابن مسکویه رازی، قسمت پند انوشیروان، ص ۵۳).

مشابهت صورت ظاهری سؤال به سؤال ۳۱ و مشابهت مضمون قسمت دوم پاسخ این سؤال با مضمون قسمت اول پاسخ سؤال ۳۱.

-سؤال ۲۹ رساله به صورت زیر در جاویدان خرد نقل شده است:

گفت چه چیز بود که مروت را زیان دارد؟ گفتیم: عالم را تکبر، دلیر را ستمکاری، پادشاهان را بی آزر می و زنان را کم شرمی و فقیه را پیروی هوا و عامه را دروغ. (همان، قسمت پند بزرگمهر، ص ۳۷). مضمون صورت سؤال مطابق مضمون صورت سؤال ۲۹.

-سؤال ۳۵ رساله به صورت زیر در جاویدان خرد نقل شده است:

کدام کسی است که به سعادت سزاوارتر؟ گوئیم: آنکه گناه کمتر دارد. (همان، قسمت پند بزرگمهر، ص ۲۹) مضمون آن مطابق با مضمون سؤال ۳۵.

۴) قابوس نامه:

قابوس نامه کتابی است که در سال ۴۷۵ هـ ق توسط عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار به رشته تحریر درآمده است. این کتاب دارای ابواب مختلفی در موضوعات اخلاقی می باشد که در آن حدود ۱۸ سؤال از سؤالات رساله ظفرنامه با اختلاف نسبتاً زیادی نقل شده است و بیشتر از لحاظ مضمون میان عبارات و موضوعات مطرح شده در هر دو مجموعه اشتراکاتی احساس می شود. سؤالاتی که در این اثر آمده غالباً دارای چنین مضامینی است: محبوبیت در میان مردم - راستگوئی - پرهیز از بخل - نیکی کردن - پاداش نیک و بد در هر دو جهان - خاموشی - آموختن دانش - هنر و فرهنگ آموختن - پرهیز از تندى و تیزی - یاران مشفق - مشورت - نیکوگوئی - فرومایه ترین کس در جهان - نشان دوست نیکو - حاجت خواستن - جوانمردی.

نویسنده این کتاب بر آن است تا در بیان مباحث مختلف نثری ساده و روان را اختیار کند تا مطالب آن برای همه کس قابل فهم باشد و از آنجائی که تقریباً هم زمان با رساله ظفرنامه تألیف شده لذا دارای شیوهی نگارش مشابهی می باشند.

-به عنوان مثال سؤال ۹ رساله در قابوس نامه به صورت زیر نقل شده است:

و اندر شورستان تخم مکار که بر نهد و رنج بیهوده بود، یعنی که با مردمان ناسپاس نیکی کردن چون تخم بود که به شورستان افگنی اما نیکی از سزاوار نیکی دریغ مدار و نیکی آموز باش که گفته اند: «الدال علی الخیر کفاعله».

(عنصر المعالی، باب ۶- در فزونی گهر از فزونی خرد و هنر - ص ۲۹)، مضمون آن مطابق با مضمون سؤال و جواب ۹.

-سؤال ۴۴ رساله در قابوس نامه به صورت زیر نقل شده است:

بر مردم واجب است چه بر بزرگان و چه بر فروتران، هنر و فرهنگ آموختن که فزونی بر هم سران خویش به فضل و هنر توان یافت. (همان، باب ۶، ص ۳۴)، مضمون آن مطابق با مضمون سؤال و جواب ۴۴.

-سؤال ۴۳ رساله در قابوس نامه به صورت زیر نقل شده است:

اگر خواهی که مردمان نیکو گوی تو باشند مردمان را نیکوگوی باش. (همان، باب ۸، در یاد کردن پندهای نوشین روان، ص ۵۳)

مطابق با مضمون سؤال و قسمت سوم پاسخ سؤال ۴۳.

۵) تاریخ گزیده:

این کتاب تألیف حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی در سال ۷۳۰ هـ ق است. در این کتاب در حدود ۶۳ سؤال ذکر شده که با اختلاف بسیار کم نسبت به سؤالات ظفرنامه انوشیروانیه نقل شده و به دیگر سخن میتوان گفت که در اکثر موارد عیناً بیان شده است. سؤالاتی که در این اثر آمده غالباً دارای چنین مضامینی است:

درخواست از حق تعالی - ایمنی - آنچه در همه وقت سزاوار است - جوانی و پیری - بریدن از دوست ناشایست - کار به کوشش یا به قضا - مهتری - حذر - نیکوترین چیز در جهان - بدترین چیز در جهان - سخی ترین کس - جان - نیکی کردن و

از بدی دور بودن- هنر- دانش- نشان دلیری- زیان کارترین عیبها- ضایع ترین ساعت از زندگانی- فرمانهای قابل امتثال- پاداش عمل نیک در هر دو جهان- آنچه بهتر از زندگانی است- آنچه بدتر از مرگست- عاقبت نیک- مروت- آنچه کار مردم پارسا تباہ کند- بی نیازی به طیب- عاقل ترین مردم- سبب مذلت- سبب نیازمندی- شرم- حمیت- اصل تواضع- تدبیر- بیشترین حاجت پادشاه- بیگانه ترین کس در جهان- نیک بخت ترین کس در جهان- خوی خوش- حق مهتر بر کهتر- عبادت- نشان دوست نیک- نیکوئی- آسانی زندگی- سرمایه حرب کردن- حاجت خواستن- آنچه از بیشنی مستغنی نیست- محبوبیت در میان مردم- آموختن علم- خواسته- آنچه نخورند و تن را سود دارد- سپردن کار به کاردان- خیرخواهی- به دست آوردن آخرت- وام نخواستن از نو کیسه- شتاب زدگی- حاجت نخواستن از سفلگان- بی نوائی. (مستوفی، ص ۶۷ تا ص ۱۲۰)

مستوفی در نقل عبارات بزرگمهر در تاریخ گزیده، می توان گفت که به نوعی رعایت امانت نموده است زیرا با وجود آنکه چند سده بعد از ظفرنامه تألیف شده اما اکثر عبارات در آن عیناً تکرار شده اند تا آنجائی که حتی در میان تمامی منابعی که پند بزرگمهر به نوعی در متن آنها تأثیر گذاشته است، این کتاب تاریخ گزیده است که بیشترین شباهت را با رساله ظفرنامه داراست، البته لازم به ذکرست که ۷ سؤال رساله، در تاریخ گزیده نقل نشده است و بعضی از سؤالات و یا برخی از پاسخ ها چندین بار تکرار شده اند.

-به عنوان مثال سؤال ۷ رساله به صورت زیر در تاریخ گزیده نقل شده است:
گفتم: نیکوئی به چند چیز تمام شود؟ گفت: بتواضع بی توقع، سخاوت بی منت و خدمت بی طلب مکافات. (مستوفی، ص ۷۰)، مطابق با سؤال و جواب ۷.

-سؤال ۲۱ رساله به صورت زیر در تاریخ گزیده نقل شده است:
گفتم: چه چیزست که کار مردم پارسا تباہ کند؟ گفت: ستودن ستمگران (همان، ص ۶۹)، مطابق با سؤال و جواب ۲۱.

-سؤال ۲۸ رساله به صورت زیر در تاریخ گزیده نقل شده است:
گفتم شرم از چه خیزد؟ گفت: دین داران را از بیم دین و بی دینان را از نادانی. (همان، ص ۶۹)، مطابق با ۲۸.
۶) تحفه الوزراء:

این کتاب پندنامه ای است که مؤلف و تاریخ تألیف آن به درستی معلوم نمی باشد و تنها کتابت آن را در سال ۱۰۰۵ ذکر کرده اند. این کتاب همچون قابوس نامه دارای ابواب مختلفی در موضوعات اخلاقی است. در این کتاب در حدود ۱۰ سؤال از سؤالات رساله ظفرنامه با اختلاف نسبتاً زیادی نقل شده و در اکثر موارد بیشتر از لحاظ مضمون شباهت هایی به چشم می خورد. سؤالاتی که در این اثر آمده غالباً دارای چنین مضامینی است:

آنچه باعث تحسر می شود- آنچه بر همه خلق نیکوست- آنچه بر خلق زیبا نیست- آنچه موجب ثبات سلطنت است- آنچه سبب شادمانیست- آنچه دلالت بر ابلهیی است- سعادت‌مندی- احتراز- اصل سعادت دو جهان.
آنچه در رابطه با این کتاب شایان ذکر است نثر سلیس و روان آن است و با وجود آنکه کتابت آن با زمان تألیف رساله ظفرنامه فاصله زمانی بسیاری دارد اما میان نثر آنها تفاوتی وجود ندارد.

-به عنوان مثال سؤال ۳۲ رساله به صورت زیر در تحفه الوزراء نقل شده است:
در آنکه چهار چیز دلیل ابلهیی است: خویشتن بینی و تکبر، عیب دیگران جستن، بخیلی کردن، از سفله امید داشتن (تحفه الوزراء، باب ۲۰، ص ۱۲)، (قسمت سوم پاسخ سؤال مطابق قسمت دوم پاسخ سؤال ۳۲).

-سؤال ۷ و ۳۸ رساله به صورت زیر در تحفه الوزراء نقل شده است:
در آنکه چهار چیز دلیل سعادتست: قول و عهد درست، تواضع در همه حال، سعی در کسب حلال، نگه داشتن راز (همان، باب ۲۱، ص ۱۳)، (قسمت دوم پاسخ سؤال مطابق قسمت اول پاسخ سؤال ۷ و قسمت چهارم پاسخ سؤال مطابق قسمت سوم پاسخ سؤال ۳۸).

-سؤال ۱۵ رساله به صورت زیر در تحفه الوزراء نقل شده است:

درانک چهار چیز، چهار چیز را ببرد: ناسپاسی نعمت را، بیداد قوت را، کسالت دولت را و تکبر مروت را. (همان، باب ۳۴، ص ۱۷)، (قسمت چهارم پاسخ سؤال مطابق مضمون سؤال ۱۵ و قسمت دوم پاسخ آن).
 ب) در این قسمت از کتابهایی نام می بریم که پند بزرگمهر در متن آنها تأثیر گذاشته است اما این تأثیر نسبت به آثار دسته اول از اشتراکات کمتری برخوردار است و در برخی موارد صرفاً مضمونی مشترک نقل شده است، این گروه از متون عبارتند از:

۱. مروج الذهب - جلد ۱ و ۲ - ۳۴۵ هـ - ۲ مورد.
۲. ادب الدنيا و الدين (ترجمه) - ۳۶۴ - ۴۵۰ هـ - ۵ مورد
۳. تاریخ بیهقی - ۳۸۵ - ۴۷۰ هـ - ۳ مورد
۴. سیرالملوک خواجه نظام الملک - ۴۰۸ - ۴۸۵ هـ - ۵ مورد
۵. تاریخ ثعالبی - ۴۳۰ هـ - ۲ مورد
۶. نصیحه الملوک امام محمد غزالی - ۴۵۰ - ۵۰۵ هـ - ۴ مورد
۷. دستورالوزاره - ۵۹۵ هـ - ۱ مورد
۸. خردنامه - اوایل قرن ۶ - ۶ مورد
۹. بحرالنفوس - نیمه اول قرن ۶ - ۶ مورد
۱۰. عجایب نامه - نیمه دوم قرن ۶ - ۱ مورد
۱۱. تحفه الملوک - اواخر قرن ۶ - ۲ مورد
۱۲. اقبالنامه - قرن ۶ - ۱ مورد
۱۳. مخزن الأسرار - قرن ۶ - ۲ مورد

در بررسی میزان تأثیرگذاری و نقل عبارات و پندهای بزرگمهر در متون فارسی و عربی به دسته دیگری از آثار بر می خوریم که جزء متون عربی هستند که نمونه هائی از حکمتها و پندهای بزرگمهر را نقل کرده اند که برخی از این آثار عبارتند از:

العقد الفرید (جلد ۱ و ۲) - السعادة و الاسعاد - التاج جاحظ - نهایی الأرب فی اخبار الفرس و العرب - ترجمه کتاب ادب الدنيا و الدين - خاص الخاص - تاریخ ثعالبی - مروج الذهب.
 اما در این میان مضمون مشترک با متن رساله ظفرنامه و یا روایت عبارت و یا حکمتی به نقل از بزرگمهر و آنچه در این مقاله مدنظر ما بود تنها در این کتب به طور بارزی به چشم می خورد: العقد الفرید جلد ۲، السعادة و الاسعاد، ترجمه کتاب ادب الدنيا و الدين، تاریخ ثعالبی و مروج الذهب.

نتیجه گیری

همانطور که پیشتر نیز اشاره کردیم، رساله ظفرنامه، از جمله رسائل کوتاه پهلوی در دوره ساسانیان است که نام و نشان آن را برای اولین بار در کشف الظنون حاج خلیفه ذکر کرده اند. این رساله در سده سوم به فرمان نوح بن منصور سامانی توسط ابن سینا از زبان پهلوی به فارسی ترجمه شده و ظفرنامه خوانده می شود. در زبان فارسی به غیر از شاهنامه، در کتاب خردنامه و جاویدان خرد ابن مسکویه نیز قسمتی از پندنامه بزرگمهر ذکر شده اما هیچ یک از آنها متن کامل پندنامه نیستند و اندرنامه بزرگمهر عنوانی برای کتاب خاصی نبوده و در تمامی این پندنامه ها برداشت مطالب و ترتیب آنها با یکدیگر متفاوت است و بنابراین نمیتوان هیچ یک از آنها را نسخه دیگری از این پندنامه به شمار آورد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که ترجمه عربی این پندنامه تأثیر بسیاری در مؤلفات ادبی عرب به جای گذاشته و شیوه خاص نگارش در این رساله که در قالب پرسش و پاسخ می باشد، میتواند گفت که شیوه رایج در میان بیشتر کتب ادبیات تعلیمی است که این شیوه از دوره اول عباسی در میان نویسندگان عرب رایج شد و تا پیش از آن سابقه ای نداشته است.
 آنچه در این رساله بسیار جای دقت و تأمل دارد، موضوعات مختلفی است که در طی سؤال و جوابهای متعدد به آنها پرداخته شده و میتوان گفت اصلی ترین موضوعات را در بر میگیرند.

در پایان ذکر این مطلب لازم است که با بررسی که در متون ادب فارسی و عربی درباره مضامین رساله‌ی ظفرنامه و همچنین حکمتها و پندهای منسوب به بزرگمهر تا سده ۶ انجام گرفت، غالباً قسمت عمده و یا برخی از عبارات رساله را عیناً و یا با دخل و تصرف مشتمل می‌شد و یا برخی دارای مضامین مشترک با متن رساله‌ی ظفرنامه بودند که با توجه به سیر تاریخی و زمان تألیف آنها در دو دسته‌ی الف و ب مورد بررسی قرار گرفتند.

جالب است بدانیم در این میان کتاب ظفرنامه و تاریخ گزیده دارای بیشترین میزان اشتراک در نقل مضامین مشترک و یا روایت عبارات و پندهای بزرگمهر را دارا هستند و تنها تفاوت آنها در ترتیب سؤالات و یا برداشتهای متفاوتی از برخی مطالب است و البته در ظفرنامه ۹ سؤال و در تاریخ گزیده ۷ سؤال از سؤالات رساله‌ی ظفرنامه ذکر نشده است.

معرفی نسخه:

نسخه خطی رساله‌ی ظفرنامه، مضبوط در مجموعه‌ی انسان نامه، با شماره نسخه‌ی ۴۷۶۴ در کتابخانه ملی مجلس شورای اسلامی به ثبت رسیده و محفوظ است. رساله ظفرنامه فاقد ترقیم است اما براساس تاریخ کتابت رساله‌های دیگر مجموعه و این که تمامی مجموعه به وسیله یک کاتب، عبدالقادر کمال، کتابت شده، میتوان تاریخ ۸۹۹ را زمان کتابت آن به شمار آورد.

طبق آنچه در فهرست نسخه‌های خطی فارسی و نیز فهرستواره‌ها ذکر شده شماره این نسخه، مضبوط در مجموعه انسان نامه بدین شرح است: مجلس ۱۵۰/۳ ش ۴۷۶۴/۱. دانشگاه زنجان
این نسخه به خط نسخ در ۱۱ ورق بر روی کاغذ سمرقندی به کتابت رسیده که اندازه سطرها ۹-۱۰×۷/۵، و دارای جلد تیماج مشکی و اندازه جلد ۱۷×۱۲ است. (نویسنده، ج ۶، ۱۴۹-۱۵۱).
در ادامه پس از ارائه‌ی صفحه‌ی نخست نسخه‌ی خطی ظفرنامه‌ی انوشیروانی به نقل متن رساله ظفرنامه پرداخته ایم.

رساله ظفرنامه انوشیروانی

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و ستایش خدا بی را عز وجل که آفرید کار زمین و زمانست
 و روزی در دنیا انس و جانست و پروردگار جانور است
 و در روز و تحیات برسد کاینات و برکیزد حضرت خالق الموت
 و الهی و محمد مصطفی علیه افضل الصلوات باد **اما بعد**
 چنین گویند مرویان اخبار و ناقلان گفتار که روزی در مجمع
 ملک انوشیروان عادل از حکیم کامل بزرگمهر شخصت سؤال
 کرد باستان کامل در حال جواب داد و آن سؤال و جواب را
 ظفرنامه نام نهاد و در خزینه نگاه داشت تا آخر عمر و بر سایر

ملوک بقوت دانش او سر می افراشت و هر روز مطالعه می فرمود
 و تدبیر اساس مملکت می نمود و بعد از وفات پدشاهای مدینه بدست
 امیر خراسان سلطان علی بن سبیر از ناد بجا با رکاد باو تراب **با حاه**
 ثانی نوح بن منصور استامانی که خلیفه پنجم بود در خطه فخریه کمال
 بر سر تخت پرورد خلیفه را عظیم خورشید آمد و بجز بنشاهی نشناختند
 گشت در حالی فرمود تاریخ احوال ابو علی سینا را احاطه کرد
 و مثال داد تا از لغت پهلوی آن کلمات را بزبان پارسی ترجمه
 ساخت سؤالات غریب و جوابات عجیب نوادر و امثال و
 بدایع احوال در و مندر چیست مخلص از صفار و کبار معنی



بسم الله الرحمن الرحيم

رساله ظفرنامه انوشیروانیه

سپاس و ستایش مر خدائی را عزوجل که آفریدگار زمین و زمانست و روزی دهنده‌ی انس و جانست و پرورنده‌ی جانورانست و درود و تحیات بر سید کائنات و برگزیده‌ی حضرت خالق الموت و الحیات، محمد مصطفی علیه افضل الصلوات باد، اما بعد چنین گویند راویان اخبار و ناقلان گفتار که روزی در مجمع ملک انوشروان عادل از حکیم کامل، بزرجمهر شصت سوال کرد به امتحان، کامل در حال جواب داد و آن سوال و جواب را ظفرنامه نام نهاد و در خزینه نگاه می داشت تا آخر عمر و بر سایر [۱-پ] ملوک به قوت دانش او سر می افراشت و هر روز مطالعه می فرمود و تدبیر اساس مملکت می نمود و بعد از وفات او به مدت‌های مدید به دست امیر خراسان، سلطان علی بن سنجر افتاد به جناب بارگاه با جاه ابوتراب ثانی، نوح بن منصور السامانی که خلیفه ی عجم بود در خطه ی فاخر بخارا به رسم تحفه برد، خلیفه را عظیم خوش آمد و بهجت شاهی تضاعف پذیر گشت در حالی فرمود تا رئیس الحکماء، ابوعلی سینا را حاضر کردند و مثال داد تا از لغت پهلوی آن کلمات را به زبان پارسی ترجمه ساخت. سوالات غریب وجوابات عجیب نوادر و امثال و بدایع احوال درو مندرج است. خلایق^۱ از صغار و کباد مفید [۲-ر].



^۱ - حاشیه: + ر ۱

امور سیاسی و تدبیر منزلی و مدنی و حکمت عملی ازو معلوم شود، قلیل الحجم و کثیر الفواید چون حقیقت است که در آفرینش عقل و نفس ناطقه میان ادیان مختلفه اشتراک دادند و خردمند باید که معقولات را انکار نکند تا که در دین و مذهب او خلل نباشد و از جاده و از طریقه‌ی خود نیفتد و یقین داند که با کمال نبوت، صاحب دعوت شریعت صلوات الرحمن علیه بر لفظ مبارک رانده است که «ولدت فی زمن الملك العادل» این سخن به رغبت^۱ نباشد، دیگر می فرماید علیه السلام «خُدُّ الْعُلَمَّ مِنْ افواه الرجال» عامری گوید به عوض^۲ به کفر و اسلام نمی رساند و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله تعالی وجهه [۲-پ] می فرماید «خذما صفا ودع ما کدر».

پس عاقل باید که به نکات معقول کار کند که تمامست سخنان حکماء یونان و هند و فارس برین منوا [است] و بزرگان ما گفته اند که بنگر که چه می گویند منگر که، که می گوید پس بر موجب فرمان ملک عادل حکیم، کامل امثال نمود و هر سؤالی را جوابی شایسته گفت.

سؤال ۱، عادل فرمود که از خدای عزوجل چه چیز خواهیم که همه نیکو خواسته باشیم؟

جواب، کامل گفت سه چیز، یکی تن درستی، دوم توانگری، سیوم ایمنی، عادل فرمود که تن درستی از که جویم؟ کامل گفت از موجودی که معلول نباشد، باز فرمود که توانگری از که خواهیم؟ گفت از غنی حقیقی.

باز فرمود ایمن بر که باشیم؟ گفت بر دوستی که [۳-ر].

بی ریا بود و حاسد نباشد.

سؤال ۲ عادل فرمود که کدام چیز است که در همه وقت شایسته و سزاوار باشد؟

جواب کامل گفت: هنر آموختن و دل دوستان نگاه داشتن و مال اندوختن.

سؤال ۳ عادل فرمود که چون از دوست ناشایستگی پدید آید چگونه ازو باید بریده شدن؟

جواب کامل گفت: به سه چیز: یکی به نزدیکش کم رفتن، دوم از حالش ناپرسیدن، سیوم هرگاه که بینی حاجت خواستن.

سؤال ۴، عادل فرمود که هیچ چیز از جان عزیزتر هست؟

جواب کامل گفت: سه چیز که جان را بدو پرورند، یکی دین نگاه داشتن، دوم کین^۳ به وقت محاربه، سیوم از سخن^۴ رستن.

سؤال ۵، عادل فرمود که [۳-پ] از زندگانی ضایعتر کدام ساعتست؟

جواب کامل گفت: سه ساعت، یکی آن ساعت که نیکوئی توانی کردن، نکنی و دوم آن ساعت که از یاد حق غافل باشی، سیوم آن ساعت که راحت خود طلب نداری.

سؤال ۶، عادل فرمود که تدبیر از که پرسیم؟

جواب کامل گفت: از آن کس که سه چیز با وی جمع باشد، یکی دین پاک، دوم دوست داشتن نیکان، سیوم خرد^۵ کامل و زهد.

سؤال ۷، عادل فرمود که نیکوئی به چند چیز تمام شود؟

جواب کامل گفت: به سه چیز، یکی تواضع، بی ریا، توقع، دوم سخاوت بی منت، سیوم خدمت بی طلب^۶ مکافات.

سؤال ۸، عادل فرمود که نیکوئی، با چند گروه باید کرد؟

جواب کامل [۴-ر]

گفت با سه گروه: یکی با خداوندان دانش، دوم خداوندان اصالت، سیوم خویشاوندان مشفق.

-
- ۱ - حاشیه : عبث
 ۲ - حاشیه : تعرض
 ۳ - حاشیه : + خواستن
 ۴ - حاشیه : سختی
 ۵ - اصل : خردمند
 ۶ - اصل : + علاقه

- سؤال ۹، عادل فرمود که نیکوئی با چند فرقه نباید کرد؟
 جواب کامل گفت: با سه طائفه، یکی با ابلهان، دوم با بدگویان، سیوم با غمازان.
- سؤال ۱۰، عادل فرمود که مهتری کرا باید و سروری کرا شاید؟
 جواب کامل گفت: چهار چیز کم خوردن، کم خفتن، کم گفتن، کم کردن، مهتری آن را باید که نیک از بد بداند و سروری آن را باید شاید که کار به کار دانایان سپارد.
- سؤال ۱۱، عادل فرمود که حذر از که باید کرد؟
 جواب کامل گفت: از دو کس، یکی نام، دوم از چاپلوس که همنشین تو باشد [۴-پ].
- سؤال ۱۲ عادل فرمود که از فرمانها کدامست که امتثال باید نمودن؟
 جواب کامل گفت: که چهار فرمانرا، یکی فرمان خدای تعالی جل و علا، دوم فرمان اولوالأمر که پادشاهست، سیوم فرمان خردمندان، چهارم فرمان پدر و مادر.
- سؤال ۱۳، عادل فرمود که کدام تخمست که به یک جا بکارند بدو جای بردارند؟
 جواب کامل گفت: نیکی کردن به جای مردم در محل، هم درین جهان پاداش یابی و هم در آن جهان از خدای عزوجل ثواب آخرت یابی.
- سؤال ۱۴، عادل فرمود که چه چیز است که بر دلاوری نشان بود؟
 جواب کامل گفت: عفو کردن گناه پس از آنکه قادر باشد (والا به قدر گناه [۵-ر])
- سؤال ۱۵، عادل فرمود که چه چیز است آنکه مروت تباه کند؟
 جواب کامل گفت: چهار چیز، یکی مهتران را بخیلی، دوم عالمان را عجب و زنان را بی شرمی، سیوم مردان را دروغ گفتن.^۲
- سؤال ۱۶، عادل فرمود که، که باشد که درو هیچ عیب نبود؟
 جواب کامل گفت: ذات بی چون باری تعالی.
- سؤال ۱۷، عادل فرمود که از عیبها کدام نکوهیده تر باشد؟
 جواب کامل گفت: آنکه^۳ بروی پوشیده ماند و از دانان، آن نیاموزد.
- سؤال ۱۸، عادل فرمود که از بازرگانی بهتر چه باشد؟
 جواب کامل گفت: فراغت دل و ایمنی.
- سؤال ۱۹، عادل فرمود که بدتر از مرگ چه باشد؟
 جواب کامل گفت: سه چیز، یکی تنگ دستی [۵-پ] دوم قرض دار بودن، سیوم به نو کیسه احتیاج بردن.
- سؤال ۲۰، عادل فرمود که عاقبت نیکو به چه بود؟
 جواب کامل گفت: به اعمال صالح و خشنودی مادر و پدر.
- سؤال ۲۱، عادل فرمود که چه چیز است که کار مردم پارسا و عالم را به فساد آرد و بی نفع گرداند؟
 جواب کامل گفت: ستودن ستمگران و تقرب نمودن به صحبت ایشان.
- سؤال ۲۲، عادل فرمود که چه چیزست که به طیب حاجت نباشد؟
 جواب کامل گفت: چهار چیز، یکی کم خوردن، دوم کم خفتن، سیوم کم گفتن، چهارم کم کردن.
- سؤال ۲۳، عادل فرمود که از مردم کدام خردمندتر است؟ جواب [۶-ر]
 کامل گفت: آنکه بیشتر داند و کمتر گوید الا به قدر حاجت.

۱ - حاشیه : + برعقوبت
 ۲ - اصل : یکی مهتران را بخیلی، دوم عالمان را عجب و [سوم] زنان را بی شرمی، [چهارم] مردان را دروغ گفتن.
 ۳ - حاشیه : + چیزی

- سؤال ۲۴، عادل فرمود که مذلت از چه پیش آید؟
جواب کامل گفت: از کاهلی و فساد کردن.
- سؤال ۲۵، عادل فرمود که تعب از چه خیزد؟
جواب کامل گفت: از تنها بودن و غریبی کشیدن.
- سؤال ۲۶، عادل فرمود که بی نوائی در چیست؟
جواب کامل گفت: از خدا غافل بودن و در طاعت او سستی کردن.
- سؤال ۲۷، عادل فرمود که بی مقصودی از چه خیزد؟
جواب کامل گفت: از تعجیل نمودن در کارها.
- سؤال ۲۸، عادل فرمود که شرم از چه خیزد؟
جواب کامل گفت: که دین داران را از بی دینی وبی کیشان را [۶-پ] از نادانی.
- سؤال ۲۹، عادل فرمود که چه چیزست که حمیت را ببرد؟
جواب کامل گفت که طمع سفله و در پی آن کوشیدن.
- سؤال ۳۰، عادل فرمود که در جهان چه چیزست که از آن نیکوتر نباشد؟
جواب کامل گفت: دو چیز، اول امر حق تعالی نگاه داشتن، دوم از تهی پرهیز کردن.
- سؤال ۳۱، عادل فرمود که اصل تواضع چیست؟ ۱- ۱۵ شهریور ۹۲
جواب کامل گفت: سه چیز، یکی روی تازه داشتن با خلاق، دوم با خود از خود نیکوئی کردن، سیوم از ریا و تملق دور بودن.
- سؤال ۳۲، عادل فرمود که چه چیز زشت تر در جهانست؟
جواب کامل گفت: دو چیز، یکی تندی [۷-ر] از بزرگان، دوم بخیلی از توانگران.
- سؤال ۳۳، عادل فرمود که پادشاه را به چه چیز بیشتر احتیاج افتد؟
جواب کامل گفت: به مردم خردمند آزموده.
- سؤال ۳۴، عادل فرمود که در جهان ^۲ بیگانه تر کیست؟
جواب کامل گفت: آنکه نادان تر باشد.
- سؤال ۳۵، عادل فرمود که در جهان نیک بخت تر که باشد؟
جواب کامل گفت آنکه کردار را به عطا دادن بیاراید و گفتار را به راست آراسته دارد.
- سؤال ۳۶، عادل فرمود که از خلق شایسته تر کدام را گزینم تا در غربت ایمن ^۳ باشم و در حضرهم؟
جواب کامل گفت ^۴: از تهمت دور باشد و کم آزار باشد و ادب نفس نگاه دارد. [۷-پ]
- سؤال ۳۷، عادل فرمود که حق مهتر بر کهنتر چندست؟
جواب کامل گفت: سه، یکی در دل، دوم در زبان، سیوم در تن، عادل فرمود که بهره ی هریکی چگونه باشد؟ گفت: بهره دل، فکر مستقیم و بهره ی زبان شکر و ثنا و بهره ی تن عمل پسندیده.
- سؤال ۳۸، عادل فرمود که دوست نیکو را نشان چه باشد؟
جواب کامل گفت: آنکه خطای ترا ببوشد و پند دهد و راز آشکاره نکند و چون کار از حد گذشته باشد به رفق و نرمی گوید که چنین نمی بایست.

۱ - حاشیه : منهی
۲ - حاشیه : + از خرد
۳ - اصل : ایمن
۴ - حاشیه : + آنکه

سؤال ۳۹، عادل فرمود که چه چیز است که زندگانی بدان آسان توان کرد؟

جواب کامل گفت: سه چیز، یکی بردباری، دوم پرهیزگاری [۸-۱]

سیوم بی طمعی.

سؤال ۴۰، عادل فرمود که سرمایه ی حرب کردن چه باشد؟

جواب کامل گفت: عزم درست و توجه به حق و عدت لشکر و معاونت طالع و کوكب.

سؤال ۴۱، عادل فرمود که حاجت خواستن به چند چیز لازم شود؟

جواب کامل گفت: بدو چیز، یکی آنکه از آن کس که خواهی خوش خلق باشد، دوم آن چیز که خواهی بدان سزاوار

باشی.

سؤال ۴۲، عادل فرمود که چند چیزست که از^۱ رنگ مستغنی نیست؟

جواب کامل گفت: سه چیز، یکی آنکه خردمند کامل از مشورت مستغنی نیست، دوم فارس هرچند نیرومند و کار

دیده بود از حيله مستغنی نیست، سیوم بازنده نرد و شطرنج هرچند نیکو [۸-پ] باز باشد به وقت ضرورت از مغلظه کردن

مستغنی نیست.

سؤال ۴۳، عادل فرمود که چه باید کردن که مردمان مرا دوست دارند؟

جواب کامل گفت: سه کار، یکی آنکه در معالم^(۴) ستم نکنی، دوم دروغ نگویی، سیوم به زبان کسی را نرنجانی.

سؤال ۴۴، عادل فرمود که اگر دانش بیاموزم چه یابم؟^۱ شهر یور ۹۲

جواب کامل گفت: اگر بزرگ باشی نام دار شوی و اگر درویش باشی توانگر گردی و اگر مجهول باشی معروف گردی و

اگر در نسب نقصان داری کمال دانش آن را به جمال آراسته گردانند.

سؤال ۴۵، عادل فرمود که خواسته^۲ از بهر چه باید؟

جواب کامل گفت: تا حق خویشان و نزدیکان [۹-ر].

نگهداری و جهت ایشان و مادر و پدر خیر کنی و توشه ی آن جهان برداری و دشمن را دوست گردانی.

سؤال ۴۶، عادل فرمود که کارها به کوشش بود یا به قضا؟

جواب کامل گفت: کوشش هم به قضا را نسبت است و اعتبار دارد.

سؤال ۴۷، عادل فرمود که از جوانان چه بهتر و از پیران چه نیکوتر؟

جواب کامل گفت: دو چیز، یکی از جوانان شرم داشتن و دیر کردن و دوم از پیران فرهنگ و آهستگی در کارها.

سؤال ۴۸، عادل فرمود که از جوان مردان بهتر کدامست؟

جواب کامل گفت: آنکه بخشد و شاد شود و منت ننهد.

سؤال ۴۹، عادل فرمود که هنر^۳، وقت باشد که عیب شود؟

جواب [۹-پ] گفت: سخاوت با منت و باز گفتن او پیش دیگران.

سؤال ۵۰، عادل فرمود که نیکی کردن بهتر بود یا از بدی دور بودن؟

جواب کامل گفت: از بدی دور بودن بهتر و خوبتر از جمله ی نیکوئیهاست.

سؤال ۵۱، عادل فرمود که کدام چیز است که مردمان آن را جویند و هیچ کس آن را به جملگی به یکجا نیابند؟

جواب کامل گفت: چهار چیز، تن درستی و راستی و شادی و دوست یگانه.

سؤال ۵۲، عادل فرمود که چو نیست که بزرگان عالی نسب از مردم مجهول تعلیم علم کنند و عار ندارند؟

جواب کامل گفت: خدانودان دانش مجهول و حقیر نباشند مگر به چشم مغرور نادان زیرا دانش، صغیر را [۱۰-ر]

کبیر گرداند و نظر صاحب نخوت از آن محجوبست لاجرم معذور است.

۱ - حاشیه : + هر

۲ - اصل : خواست

۳ - حاشیه : + چه

سؤال ۵۳، عادل فرمود که چه چیز است که دانش را بیاراید؟
جواب کامل گفت: به راستی آراسته گردد و یقین پیراسته شود.
سؤال ۵۴، عادل فرمود که هیچ چیز هست که عنان غضب را کشیده دارد؟
جواب کامل گفت: دو چیز، یکی از بزرگان تحمل و صبر و جواب ناگفتن الا بنرمی، دوم در وقت غضب سکون با دوستان عاجز.

سؤال ۵۵، عادل فرمود که در کارهای خطیر مشورت با که کنند و محرم راز کرا گردانند؟
جواب کامل گفت: با کسی که او سفر و حضر بسیار کرده باشد و اگر به چیز دیگر احتیاج افتد که او [۱۰-پ] نداند به دانای او رجوع کند که با دشمن او دوستی نداشته باشد و درین احتیاط به کار دارد.

سؤال ۵۶، عادل فرمود که وقت حاجت، از اسرار با که گویند و چاره از که جویند؟
جواب کامل گفت: از کسی که دانا بود و روزگار دیده بود و تجربه یافته و او را بارها آزموده باشند.

سؤال ۵۷، عادل فرمود که هیچ چیز هست که نخورند و تن را سود دارد؟
جواب کامل گفت: جامه‌ی نو و دیدار خوبان و صحبت اهلان و نیکوی از دوستان و بوی خوش و حمام معتدل.

سؤال ۵۸، عادل فرمود که چند چیز است که نشاط افزاید و دل را خرم دارد؟ [۱۱-ر]
جواب کامل گفت: تفرج ریا حین در بوستان، با وضال دوستان و دیدن آب روان و سرور الحان سکران.
سؤال ۵۹، عادل فرمود که سه چیز مختلف که نگاهد و افزون شود و برقرار شود کدامست؟
جواب کامل گفت: آنچه نگاهد انفاس معدود است و آنچه افزون شود حرص نامعدود است و آنچه بیش و کم نشود رزقت که به دست رزاق است.

علی الاطلاق تمت بعون الله ملک الخلاق [۱۱-پ]
درسال ۸۹۹ درسال رجب المرجب.^۱

فهرست منابع

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحق، الفهرست، مترجم: محسن ابوالقاسمی، نشر طهوری، ۱۳۷۹
۲. اصفهانی، علی ابن ابی حفص، تحفه الملوک، مصحح: علی اکبر احمدی دارانی، مرکز نشر میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۸۲
۳. اصفهانی، محمود محمد بن الحسین، دستور الوزاره، تصحیح و تعلیق از دکتر رضا انزایی نژاد، امیر کبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴
۴. العاکوب، عیسی، تأثیر پند پارسی بر ادب عرب، مترجم: عبدالله شریفی خجسته، ویراستار: پرویز اتابکی، علمی فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۴
۵. الاندلسی، احمد ابن محمد بن عبدربه، العقد الفرید، المجلد الثانی، بتحقیق محمد سعیدالعریان، مکتبه: الرياض الحدیثه، دارالفکر
۶. بحر الفوائد (دایره المعارف)، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۵
۷. بصری ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب، ترجمه ی کتاب ادب الدنیا والدین، تحقیق و تعلیق مصطفی سقا، ترجمه ی عبدالعلی صاحبی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲
۸. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، تاریخ بیهقی، جلد ۲، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، نشر مهتاب، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷

^۱ - در حاشیه مطالعی درسال ۱۲۲۲ نوشته شده است.

۹. تحفه الوزراء، مقدمه و خط : مهدی فلاح، به کوشش حسین غفوری و مهدی فلاح، تنظیم کنندگان، چاپ اول، ۱۳۷۳
۱۰. ثعالی نیشابوری ، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ، تاریخ ثعالی ، دیپاچه ی مجتبی مینوی، پیشگفتار و ترجمه ی محمد فضائی ، نشر نقره، چاپ اول ، ۱۳۶۸
۱۱. حقیقت ، عیدالرفیع ، وزیران ایرانی از بزرگمهر تا امیرکبیر، کوش ، چاپ اول ، ۱۳۷۴
۱۲. رازی ، مسکویه ، ترجمه ی جاویدان خرد ، ترجمه ی شرف الدین عثمان بن محمد قزوینی، به کوشش محمدتقی دانش پژوه ، دانشگاه تهران ، ۱۳۵۹
۱۳. صدیقی ، غلامحسین ، ظفرنامه ، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱
۱۴. طوسی ، ابو علی حسن بن علی (نظام الملک)، سیر الملوک ، بازشناسی، نقد ، تحلیل و ویرایش دکتر محمد استعلامی ، نگاه ، تهران، ۱۳۹۰
۱۵. عامری نیشابوری ، ابی الحسن بن ابی ذروهو محمد بن یوسف ، السعاده و الاسعادی السیره الانسانیه ، مقدمه و فهرس مجتبی مینوی ، دانشگاه، شهر ویسبادن آلمان، ۱۳۳۶
۱۶. عنصر المعالی ، کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار، قابوس نامه، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی ، علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۸۰، دانشگاه زنجان
۱۷. غزالی ، امام محمد بن محمد بن محمد ، نصیحه الملوک ، به تصحیح جلال الدین همایی، نشر هما ، چاپ چهارم ۱۳۶۷،
۱۸. فردوسی ، ابوالقاسم ، شاهنامه ، مجلد چهارم، به کوشش وزیر نظر سعید حمیدیان، نشر قطره، چاپ اول، ۱۳۷۳
۱۹. کزازی ، میر جلال الدین ، نامه ی باستان (ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی)، جلد ۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶
۲۰. مجمل التواریخ، به تصحیح ملک الشعراى بهار ، به همت محمد رضانی، خاور، تهران، ۱۳۱۸
۲۱. محمدی ملایری ، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، جلد ۴، توس ، چاپ دوم، ۱۳۸۵
۲۲. مستوفی ، ابوالفضل یوسف بن علی، خردنامه ، به تصحیح و کوشش ادیب برومند ، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۷
۲۳. مستوفی قزوینی ، حمد الله بن ابی بکر بن احمد بن نصر ، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوائی، امیرکبیر ، چاپ سوم ، تهران، ۱۳۶۴
۲۴. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین ، مروج الذهب ، جلد ۱ و ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵
۲۵. نظامی گنجه ای ، اقبالنامه، تصحیح حسن وحیددستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، نشر قطره، چاپ چهارم ، تهران، ۱۳۷۸
۲۶. نظامی گنجه ای، مخزن الاسرار، به کوشش برات زنجانى ، دانشگاه تهران ، چاپ دوم، تهران ، ۱۳۷۰
۲۷. هانری دوفوشه کور ، شارل ، اخلاقیات ، ترجمه ی محمد علی معزی و عبدالمحمد روح بخشان، نشر دانشگاهی و انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران ، چاپ اول، ۱۳۷۷
۲۸. همدانی ، محمد ابن محمود ، عجایب نامه، ویرایش جعفر مدرس صادقی، نشر مرکز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵